

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیامک بهاری

۲۰ جون ۲۰۱۵

رابطه طالبان و جمهوری اسلامی، اهداف و ستراتیژی

۱۷ سال پس از گذشته شدن ۷ تن از پاسدار- دیپلماتهای کنسولگری جمهوری اسلامی در مزارشریف در جریان تصرف این شهر و رو در روی جمهوری اسلامی ایران و طالبان افغانستان در کشاکش رقابتهای منطقه، سپس همراهی و همکاری بی چون و چرای جمهوری اسلامی به عنوان مهمترین حامی ائتلاف مخالفان طالبان، با نیروهای نظامی و امنیتی امریکا و متحدینش برای ساقط کردن طالبان، پس از یک دوره طولانی پر تنشج میان این دو نیروی فوق ارتجاعی در منطقه، تغییر تناسب قواء و سیر شتابنده حوادث سیاسی، جمهوری اسلامی ایران و طالبان افغانستان را از مصاف با یکدیگر به همکاری و همفکری و روابط حسنه وا داشته است. تا جایی که سخن از بازگشائی علنی دفتر طالبان در تهران می شود. ظرفیتهای مشترک خطرناک تروریستی، تشابه ارتجاعی طرفین ضرب در منافع و نیازهای مشترک ستراتیژیک حاصل از تحولات ژئوپولیتیک، تهدید حضور داعش و نیرو گرفتن آن در افغانستان و جلب بدنه ناراضی طالبان به خود، موقعیت طالبان را نیز دستخوش تلاطم جدی کرده است.

جمهوری اسلامی به عنوان یکی از بازیگران سیاسی در افغانستان بر متن شرایط مشابهی به نزدیکی و همکاری با طالبان افغانستان نیازمند است.

مروری فشرده به روابط جمهوری اسلامی و طالبان افغانستان

حدوداً دو سال پیش دیلی تلگراف در گزارشی اعلام کرد که دفتر غیر علنی طالبان در زابل زیر نظر حفاظت سپاه قدس شروع به کار کرده است. آموزش و مسلح کردن بخشی از نیروهای ویژه طالبان نیز در پایگاههای سرّی همین نیرو آغاز شده است. جمهوری اسلامی این خبر را تکذیب، اما طالبان در قبال انتشار آن سکوت کردند.

پس از مدتی بخشی از شنوهای جاسوسی که به دست دیلی تلگراف نیز رسیده و یا در اختیارش گذاشته بودند تا منتشر کند پرده از روابط گسترده نیروهای طالبان و سپاه قدس برداشت.

در خرداد ماه [جوزا] ۱۳۹۲ سخنگوی طالبان، "قاری محمد یوسف احمدی"، در مصاحبه ای از پیش تدارک دیده شده ای با خبرگزاری اسلامی "افغان" که در پاکستان مستقر است، اعلام کرد که نمایندگان دفتر سیاسی طالبان در قطر به جمهوری اسلامی ایران سفر کرده اند. پس از علنی کردن این روابط توسط طالبان، خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران چنین نوشت: "در جلسه بیداری اسلامی در تهران، محمدالله نعمانی وزیر تحصیلات عالی طالبان و شمس الدین پهلوان والی قبلی میدان وردک در زمان حکومت طالبان حضور داشته اند". اما وزرات امور خارجه جمهوری اسلامی اظهار بی اطلاعی و همچنان رابطه با طالبان را تکذیب کرد.

پس از علنی شدن روابط گسترده سپاه قدس با طالبان افغانستان و ملاقاتهای پی در پی، سفر یک هیأت سیاسی بلند پایه از طالبان افغانستان از قطر به تهران، به رهبری "طیب آغا" رئیس دفتر سیاسی طالبان که وظیفه آن پیشبرد اهداف سیاسی طالبان با هدف گسترش ارتباطات دیپلماتیک با دولتهاست، این هیأت در ۲۸ اردیبهشت ماه [ثور] به تهران سفر کردند. "طیب آغا" رئیس دفتر، مترجم مخصوص، معاون مطبوعاتی و نزدیکترین شخصیت سیاسی به ملا عمر رهبر طالبان افغانستان است.

هیأت سیاسی طالبان افغانستان، به بهانه و تحت لوای شرکت در "کنفرانس بین‌المللی بیداری اسلامی" دو بار دیگر نیز جهت انجام ملاقاتهای رسمی با مقامات امنیتی جمهوری اسلامی ایران، به تهران سفر کرده بودند.

به دنبال این سفر، روزنامه‌وال استریت ژورنال، روز پنجشنبه ۲۱ خرداد [جوزا] ۱۳۹۴ در گزارش جداگانه ای فاش کرد که جمهوری اسلامی ایران به پشتیبانی مالی و نظامی و آموزش نیروهای طالبان افغانستان مشغول است و به نقل از فردی به نام "عبدالله" از فرماندهان طالبان که جمهوری اسلامی ایران به او ماهیانه ۵۸۰ دالر حقوق می‌دهد نوشت: ". . . او می‌گوید: هر زمان به تفنگ و مهمات نیاز داشته از ایران خواسته آن را تأمین کند".

جمهوری اسلامی و طالبان از هم چه می‌خواهند؟

جمهوری اسلامی ایران در مرزهای شرقی خود پیوسته دچار نا امنی بوده است. نسبت به فعالیت و حضور دهها جریان اسلامی تروریستی رقیب که سرخ فعالیتشان در دست سازمان امنیت پاکستان و یا سازمان امنیت کشورهای نظیر قطر و عربستان سعودی است، به شدت نگران است. از سوئی گسترش نفوذ سیاسی در افغانستان همواره مورد توجه دستگاه امنیتی جمهوری اسلامی بوده است. ضعف و بی ثباتی دولت مرکزی در افغانستان امکانات حضور امنیتی و سیاسی جمهوری اسلامی را تا حدودی تسهیل می‌کند، تا بدانجا که بتواند به عنوان یکی از بازیگران سیاسی در افغانستان ایفای نقش کند و بر نفوذ امنیتی و سیاسی خود بیفزاید. از سوی دیگر گسترش حوزه عملیاتی داعش و نیرو گرفتن در جوار مرزهای شرقی، نگرانی جمهوری اسلامی را نسبت به از دست دادن کنترل خود در این منطقه، تشدید کرده است.

ناتوانی دولت مرکزی افغانستان در به عقب راندن و شکست قطعی و کوتاه کردن دست طالبان، سبب تغییر تناسب قوا به نفع طالبان گردیده است. تلاش آمریکا و دولت افغانستان این بار جهت رسیدن به توافق با طالبان و تقسیم بخشی از قدرت با آنان، مذاکره و پذیرفتن برخی از شرایط آنان، رضایت به ایجاد دفتر دولت امارت اسلامی و استقرار هیأتی از دفتر سیاسی طالبان در قطر، بازگذاشتن دست آنان در اجرای احکام شریعت به عنوان رسمیت دادن به قدرت دوفاکتوی آنان در بسیاری از مناطق، موقعیت طالبان را در موازنه قدرت فعلی به درجه ای تغییر داده است.

برای جمهوری اسلامی تأمین تسلیحاتی و تدارکاتی مورد نیاز طالبان، بخشی از نزدیکی ستراتیژیک به این گروه تروریستی، در رقابتهای شدید منطقه‌ئی، ایجاد حسن رابطه و به خدمت گرفتن و استفاده از ظرفیتهای تروریستی و ارتجاعی آن، دور کردن این گروه از القاعده و قدرتهای منطقه‌ئی نظیر عربستان و قطر، نزدیک کردن آن با منافع سیاسی خود در منطقه، بیشتر از هر وقت دیگر، مورد توجه است.

از سوئی ایجاد ناامنی داخلی و بی ثبات کردن موقعیت نظامی و امنیتی برای نیروهای نظامی آمریکا در افغانستان یک برگ برنده برای جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.

به این وضعیت باید تشکیل نیروی ائتلاف به رهبری عربستان و اعلام هم جہتی علنی اشرف غنی - عبدالله و حتا گلبدین حکمتیار به دنبال منازعات یمن که جمهوری اسلامی رسماً یکطرف آن محسوب می‌شود، را نیز افزود.

در عین حال طالبان افغانستان هر درجه از گسترش روابط دیپلماتیک خود را بخشی از رسمیت بخشیدن خود در منطقه می‌دانند. به هر درجه ای که داعش در منطقه اعمال نفوذ بیشتری بیابد، طالبان به عنوان یک نیروی آلترناتیو ارتجاعی

می توانند به عنوان وسیله ای برای کمک به اهداف سیاسی امریکا، دولت مرکزی افغانستان و جمهوری اسلامی مورد توجه قرار بگیرد.

خصوصیات مشترک ایدئولوژیک و فوق ارتجاعی طالبان و جمهوری اسلامی طبعاً راه را برای این نزدیکی و تعامل ستراتیژیک هموارتر خواهد کرد. نباید فراموش کرد که به هر درجه ای که طالبان به عنوان یک جریان تروریستی اسلامی در افغانستان بتوانند نیروهای سیاسی مترقی و سکولار را به عقب برانند و قدرت اعتراض اجتماعی آنان را تضعیف کنند، جمهوری اسلامی خود را با آنان هم جهت تر می یابد و با خیال آسوده تری به گسترش دامنه نفوذ سیاسی ارتجاعی خود در افغانستان ادامه خواهد داد.

امضای تفاهم نامه سازمان امنیت پاکستان و افغانستان می تواند به تضعیف طالبان و از دست دادن منابع و امکاناتی که پیوسته از طریق (I.S.I) در اختیار آنان قرار می گرفت، بینجامد. بنابراین دست و پا کردن پشت جبهه و منبعی جهت تأمین بقای سیاسی - نظامی برای طالبان حیاتی تر از هر وقت دیگر خواهد بود.

به این وضعیت باید منفعت مشترک جدی تر طالبان افغانستان و جمهوری اسلامی از نگرانی و هراس هر دو از گسترش دامنه نفوذ داعش در منطقه را هم افزود. این وحشت هر دو را بیش از پیش به هم نزدیک کرده است.

جمهوری اسلامی روی انبار باروت نشست است.

همه محاسبات ارتجاعی و تروریستی و دیپلماسی خونینی که توسط جمهوری اسلامی و طالبان و هر نیروی تروریستی دیگر صورت می گیرد در برآمد اعتراضات رو به گسترش مردم در ایران، یک شبه دود خواهد شد و به کوتاه کردن دست همه جریانات ارتجاعی - تروریستی از زندگی مردم خواهد انجامید.

جمهوری اسلامی به عنوان یکی از آتش بیاران منطقه، علی رغم همه تلاشهای فوق ارتجاعی و پتانسیل خطرناک تروریستی خود، در داخل کشور با موجی از نارضایتی و نفرت از خود و قوانین اسلامی اش روبه رو است. شکستهای پیاپی سیاستهای ضد مردمی جمهوری اسلامی و موقعیت شکننده اش در مقابله با موج اعتراضات مردمی پاشنه آشیل جمهوری اسلامی است.

میلیونها مردمی که زیر بار اعمال فقر تحمیلی و فشار و سرکوب سیاسی قرار گرفته اند، با سرنگون کردن جمهوری اسلامی همه طرفندهای سیاسی کثیف آن را برای همیشه خنثی خواهند کرد. بخش وسیعی از نیروهای تروریستی اسلامی در منطقه به کلی از میان برچیده خواهند شد.*